

# Presenting a Structural model of Marital Commitment based on Emotional Maturity Mediating role of Intimacy and Interpersonal Cognitive Distortions

## ARTICLE INFO

### Article Type

Analytical Review

### Authors

Behnaz Ghasemi Varniab<sup>1</sup>  
Mohammad Ali Rahmani<sup>2\*</sup>,  
Mohammad Reza Zarbakhsh Bahri<sup>3</sup>,  
Shahnam Abolghasemi<sup>4</sup>

### How to cite this article

Behnaz Ghasemi Varniab, Mohammad Ali Rahmani, Mohammad Reza Zarbakhsh Bahri, Shahnam Abolghasemi, Presenting a Structural model of Marital Commitment based on Emotional Maturity Mediating role of Intimacy and Interpersonal Cognitive Distortions, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:4(1): 124-133.

1. PhD Student, Department of General Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran
2. Assistant Professor, Counseling Department, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran (Corresponding Author).
3. Associated Professor, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.
4. Associated Professor, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: rahmanima20@gmail.com

### Article History

Received: 2020/04/08

Accepted: 2020/06/01

Published: 2020/06/20

## ABSTRACT

**Purpose:** The aim of this study was to present a structural model of marital commitment based on emotional maturity mediated by intimacy and interpersonal cognitive distortions.

**Materials and Methods:** The research method is applied in terms of purpose, quantitative in terms of approach, cross-sectional in terms of data collection time and correlational in terms of research method. The statistical population of this study consisted of all married women who referred to Sarai Mahallat in Tehran in 1399, from which 300 people were selected by multi-stage cluster random sampling. In this study, the tools of marital commitment (Adams and Jones, 1997), emotional maturity (Singh and Bahargawa, 1991), couple intimacy (Brooke and Oman, 1998) and interpersonal cognitive distortions (Hammachi and Ozturk, 2004) were used. All had acceptable credibility and reliability. SPSS-V23 and Amos-V8.8 software were used to analyze the data. Structural equation modeling was also used to answer the research hypotheses.

**Findings:** The results showed that the variable of emotional maturity has an indirect and significant effect on the variable of marital commitment ( $p < 0.05$ ). Intimacy directly affects marital commitment ( $p < 0.05$ ). Interpersonal cognitive distortions also directly affect marital commitment ( $p < 0.05$ ).

**Conclusion:** The results showed that the model has a good fit. Therefore, paying attention to the mentioned variables in prevention and designing more appropriate treatments helps researchers and therapists.

**Keywords:** Marital Commitment, Emotional Maturity, Intimacy, Interpersonal Cognitive Distortions

## ارائه مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی با میانجی‌گری صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی

بهناز قاسمی ورنیاب<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی عمومی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

محمدعلی رحمانی

استادیار، گروه مشاوره، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران (نویسنده مسئول).

محمدرضا زربخش بحری<sup>۲</sup>

دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

شهنام ابوالقاسمی<sup>۳</sup>

دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

### چکیده

**هدف:** این پژوهش با هدف ارائه مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی با میانجی‌گری صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر رویکرد کمی، و از نظر زمان گردآوری داده‌ها از نوع مقطعی و از نظر روش پژوهش همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به سرای محلات شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند، که از میان آنها، تعداد ۳۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای تعهد زناشویی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، بلوغ عاطفی (سینگ و بهارگاو، ۱۹۹۱)، صمیمیت زوجین (بروک و اومن، ۱۹۹۸) و تحریف‌های شناختی بین فردی (حمامچی و اوژتورک، ۲۰۰۴) استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-V23 و Amos-V8.8 استفاده گردید. همچنین به منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که متغیر بلوغ عاطفی بر متغیر تعهد زناشویی اثر غیرمستقیم و معنی‌داری دارد ( $p < 0.05$ ). صمیمیت بر تعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد ( $p < 0.05$ ). تحریف‌های شناختی بین فردی نیز بر تعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد ( $p < 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج‌های پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. لذا توجه به متغیرهای مذکور در پیشگیری و طراحی درمان‌های مناسب‌تر به پژوهشگران و درمانگران باری می‌رساند.

**واژگان کلیدی:** تعهد زناشویی، بلوغ عاطفی، صمیمیت، تحریف‌های شناختی بین فردی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

\*نویسنده مسئول: rahmanima20@gmail.com

### مقدمه

از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل‌های سالم و سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به همونوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است (۱). خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضاء آنها ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد. نهاد خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که با ازدواج شروع می‌شود (۲). علم روان‌شناسی اهمیت درک ازدواج را به وسیله پژوهش‌های انجام شده در این حوزه شناسایی کرده است. (۳). با این حال پژوهشگران ازدواج، توجه خود را بیشتر بر رضایت و پایداری در روابط زناشویی متمرکز کرده‌اند. درحالی‌که مطمئناً رضایت و پایداری از مؤلفه‌های دارای اهمیت در ازدواج هستند، متغیرهای دیگر نیز سزاوار توجه فرایند‌های هستند. به ویژه متغیری که شایسته توجه بیشتری می‌باشد، تعهد زناشویی است (۴). بنابراین یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط زناشویی، تعهد زناشویی است. هر ازدواج موفق حاوی سه رکن تعهد، جاذبه و تفاهم است که در این بین تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (۵). عدم تعهد زناشویی عوارض و پیامدهای متعددی را به دنبال خواهد داشت که هم بر فرد، هم بر خانواده و هم بر جامعه به ویژه همسری که بی وفایی دیده است تأثیر می‌گذارد و آنها را دچار تغییرات فیزیولوژیک در سیستم اعصاب و فعالیت شناختی خود می‌کند (۶). دین و اسپانییر<sup>۷</sup> تعهد زناشویی را تمایل زوجین به حفظ و ادامه دادن یک رابطه مشترک طولانی مدت تعریف می‌کنند. آلن، روادس، استنلی و مارکم<sup>۸</sup> نیز تعهد زناشویی را شامل دو مؤلفه از خودگذشتگی نسبت به همسر و ناتوانی در ترک رابطه زناشویی می‌دانند. تعهد ابعاد چندگانه‌ای دارد و دربرگیرنده دلایل شخصی، اخلاقی و اعتقادی به خصوصی است که شخص را به ادامه‌ی رابطه زناشویی پایبند می‌کند (۹).

بلوغ عاطفی عاملی مهم است که نقش محوری در زندگی زناشویی دارد. بلوغ عاطفی یعنی این که فرد به حدی از پختگی احساسی برسد که بتواند برای مشکلات عاطفی خود راه حل منطقی پیدا کند و قادر باشد احساسات خود را کنترل کند، به عبارت دیگر زمانی می‌توانیم فردی را از لحاظ عاطفی بالغ بدانیم که فرد تمام عواطف و احساسات خود را به درستی بشناسد و نحوه ابراز صحیح و کنترل آنها را بداند. کارشناسان زوج درمانی به این نتیجه رسیدند که ریشه بسیاری از مشکلات میان زوجین برای شروع زندگی زناشویی یا رشد رابطه زناشویی موفق، عدم بلوغ عاطفی است (۱۰). منیجر بلوغ عاطفی را توانایی سهم شدن به صورت سازنده با واقعیت تعریف می‌کند و شامل فرآیندی است که فرد به طور مداوم برای درک بیشتر سلامت هیجانی هم درون فردی و

<sup>1</sup> Marital commitment

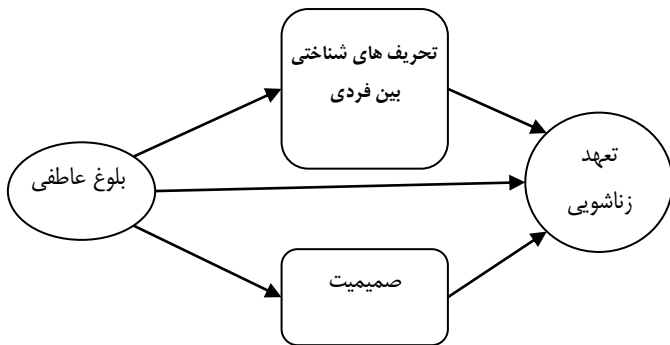
<sup>2</sup> marital commitment

<sup>3</sup> Dean & Spanier

<sup>4</sup> Allen, Rhoades, Stanley & Markman

رضایت جنسی و تحریف های شناختی بین فردی در رابطه با تعهد زناشویی تایید گردید.

بنابراین یکی از نهادهای مهم اجتماعی که به لحاظ اهمیت، نقش و کارکردهای مختلف، مورد توجه علمای تعلیم و تربیت قرار گرفته است، نهاد خانواده می باشد. لذا اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام این نهاد اجتماعی می گردند، می تواند گامی مفید در راستای ارتقای فرهنگ جامعه باشد. آدمی، در خانواده، انقبای اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری را می آموزد. هر چه از عمر خانواده های گسترده می گذرد و تبلور خانواده های هسته ای در جامعه بیشتر می شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی خانواده واضح تر می گردد (۲۱). با توجه به مطالب گفته شده نتایج چنین پژوهشی می تواند در زمینه مشاوره های قبل و بعد از ازدواج، کاربرد وسیعی داشته باشد و حتی در نگاه مداخله گرانه ی درمانی می توان با ایجاد تغییرات روانشناختی در زنان و مردان، زندگش مشترک را از خطر سقوط بدلیل نقض تعهدات زناشویی نجات داد و از سوی دیگر با فراهم سازی آموزش های ویژه برای جمعیت در معرض خطر، بتوان بر افزایش سطح تعهد زناشویی تأثیر گذاشته و جامعه را از بی اعتمادی، ترس و عدم امنیت روانی و عاطفی نجات داد. بنابراین آنچه امروز برای تحکیم خانواده ها لازم است و عامل مؤثر در جلوگیری از طلاق و از هم پاشیدن نهاد خانواده است، متغیر تعهد زناشویی می باشد. و آگاهی در این مورد می تواند آینده سالم و روشنی را برای جوانان ما رقم بزند و با در نظر گرفتن خلاء پژوهشی در این زمینه، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که، مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی با میانجی گری صمیمیت و تحریف های شناختی بین فردی در زنان متأهل از برازش مطلوبی برخوردار است؟ در نهایت با توجه به فرضیه فوق مدل مفهومی به شکل زیر ارائه می گردد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

#### مواد روش ها

روش پژوهش حاضر، به لحاظ روش گردآوری داده ها مقطعی از نوع همبستگی است. همچنین پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا الگویابی از طریق معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به سرای محلات شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بودند. درباره حجم

هم درون جسمی تلاش می کند (۱۱). عواطف به وسیله حوادث یا چالش ها، برآورده شدن نیازها یا تشخیص هدف های فرد برانگیخته می شوند (۱۲). کارشناسان زوج درمانی بر این باورند که یکی از عوامل مهم برای درمان مشکلات زناشویی، رشد بلوغ عاطفی زوجین است که باعث غلبه بر تعارضات زناشویی زوجین می شود (۱۳). بنابراین داشتن بلوغ عاطفی در سازگاری زناشویی زوجین مهم است.

از طرفی راه حل مشکلات در روابط زناشویی، برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازهاست. صمیمیت، یکی از ویژگی های رابطه زوجین است؛ رابطه ای که با خودآشنایی واقعی و درک شخص دیگر در مشارکتی برابر تعریف می شود. پژوهش های زیادی نشان دادند که توانایی برقراری روابط صمیمانه با دیگران، یکی از عوامل کلیدی در سلامت و بهزیستی روانی افراد بزرگسال بشمار می رود (۱۴). پاینز، نیل، هامر و ایکسون<sup>۱</sup> (۱۵)، در پژوهش خود نشان دادند که بسیاری از زنان رابطه زناشویی شان را بخش مهمی از زندگیشان می دانند و برای آن بیش از شغل شان اهمیت قائلند. زنان از روابط صمیمی انتظارات بیشتری دارند. رضایت و خشنودی زنان از زندگیشان و وضعیت کلی سلامتشان، بیش از مردان به سعادت زناشویی شان بستگی دارد. در نتیجه در صورت بروز مشکلات، زنان بیش از مردان در معرض استرس و ناراحتی قرار می گیرند. علی زاده (۱۶) پژوهشی تحت عنوان پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس ارضای نیازهای صمیمیت زناشویی انجام داد. نتایج حاصل نشان داد که تمام نیازهای صمیمیت با تعهد زناشویی ارتباط مستقیم و معنادار دارند. و نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام حاکی از آن بود که نیاز به صمیمیت عاطفی و نیاز به صمیمیت زیباشناختی، قدرت پیش بینی تعهد زناشویی را دارند. زارع گاریزی، ابراهیمی مقدم و ابوالعالی الحسینی (۱۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند که بین صمیمیت و تعهد زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با تعهد زناشویی، تحریف های شناختی زوجین است. شناخت درست و مطابق با واقعیت عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای مثبت یک زندگی است. نا آگاهی و آگاهی نادرست، انسان را در تحلیل آن چه پیرامونش اتفاق می افتد، دچار لغزش و اشتباه می کند. این امر در سازگاری و ناسازگاری افراد در جامعه تأثیر فراوانی دارد و می تواند همه ی زندگی را تحت الشعاع قرار دهد. (۱۸). همچنین برای داشتن یک زندگی مطلوب باید از تحریف اطلاعات جلوگیری کرد. گاهی تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن تحریف می شود. این نوع تحریف ها که خطاها و تحریف های شناختی نامیده می شوند، به اشکال گوناگونی ظاهر می گردند (۱۹). در همین رابطه نتایج پژوهش شاکرمی، زهراکار و محسن زاده (۲۰)، نشان داد که متغیرهای سبک های حل تعارض (سازنده و غیرسازنده)، تحریف های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی همبستگی معنادار داشته و مدل مفروض با متغیرهای مستقل

<sup>1</sup> Pines, Neal, Hammer & Ickson

توسط عباسی (۲۳) روایی محتوایی این آزمون مورد تأیید قرار گرفت.

پرسشنامه بلوغ عاطفی: این مقیاس توسط یاشویر سینگ و ماهیش بهارگاوا در سال ۱۹۹۱ تدوین شده است. این سیاهه شامل ۴۸ سؤال است که هدف آن بررسی ابعاد مختلف بلوغ عاطفی (عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال) می باشد. طیف پاسخدهی آن بر اساس لیکرت تنظیم شده است. مقیاس اندازه گیری این ابزار از هرگز تا خیلی زیاد تغییر می کند. روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی یعنی پرسشنامه سازگاری حوزه "گها" برای دانشجویان کالج توسط سینها و سینگ تعیین شده است. در این پرسشنامه حوزه گها، سازگاری عاطفی دانشجویان کالج را اندازه می گیرد و تعداد سوالات این حوزه ۲۱ مورد است. همبستگی گشتاوری حاصل بین کل نمرات در ۲۱ سوال حوزه گها و کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۰/۶۷ (۲۴). پایایی توسط آزمون - بازآزمون بروی دانشجویان اندازه گیری شد، که شامل دختران و پسران ۲۴-۲۰ ساله بودند. فاصله زمانی بین این دو آزمون ۶ ماهه بود و همبستگی گشتاوری بین این دو اجرا ۰/۷۵ بود (۲۵).

پرسشنامه صمیمیت زوجین: پرسشنامه صمیمیت زوجین توسط بروک و اومن<sup>۱</sup> تهیه شده و دارای ۵۶ سوال است. این پرسشنامه شامل پنج خرده مقیاس مشکلات مربوط به میزان صمیمیت، میزان توافقی زوجین، صادق بودن، علاقه و محبت و پایبندی به تعهدات است که پاسخ به هر یک از ماده ها به روش لیکرتی و به صورت ۵ گزینه ۱= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد رتبه بندی شده است. همچنین برخی از ماده های این پرسشنامه به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. بروک و اومن ضریب پایایی کل پرسشنامه را ۰/۸۶ گزارش کردند. این پرسشنامه را در ایران عرفانی اکبری (۲۶) اعتباریابی کرده است. در این پژوهش نیز ضریب پایایی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل نمونه ۰/۹۴ به دست آمد. چند نفر از استادان رشته مشاوره و روانشناسی روایی صوری این پرسشنامه را تأیید کردند. همچنین در این پژوهش برای بررسی روایی همزمان آن از مقیاس صمیمیت ۱۷ ماده ای واکر و تامسون استفاده شد که ۰/۷۱ به دست آمد. این یافته نشان می دهد که هر دو ابزار تا حدودی یک سازه واحد را اندازه گیری می کنند.

پرسشنامه تحریف شناختی بین فردی: این پرسشنامه توسط حمامچی و اوزتورک ساخته شد و شامل ۱۹ سؤال و سه خرده مقیاس طرد در روابط بین فردی، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط و سوء ادراک در روابط بین فردی می باشد. پایایی این پرسشنامه از طریق همسانی درونی توسط آلفای کرونباخ و همچنین از طریق آزمون مجدد پس از دو هفته برای کل مقیاس به ترتیب (۰/۶۷ و ۰/۷۴) و برای خرده مقیاس های طرد در روابط بین فردی (۰/۷۴ و ۰/۷۰)، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط (۰/۶۶ و ۰/۷۶) و سوء ادراک در روابط بین فردی (۰/۴۳ و ۰/۷۴) به دست آمده است.

نمونه در پژوهشهای مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری نظرات گوناگون وجود دارد ولی همه بر این موضوع توافق دارند که مدل معادلات ساختاری شبیه تحلیل عامل از فنون آماری است که با نمونه بزرگ قابل اجرا می باشد (۲۲). بومسما (۲۲) حجم حدود ۲۰۰ نفر را برای برازش مدل کافی دانسته است. براساس اندازه اثر مورد انتظار و توزیع متغیرهای اندازه گیری شده و همچنین به لحاظ توان آزمون، به ازای هر پارامتر برآورد شده حداقل ۱۰ آزمودنی ممکن است کافی باشد، به شرط اینکه اندازه برآورد اثر بزرگ باشد و متغیرهای اندازه گیری شده دارای توزیع نرمال باشند. بنابراین حداقل نمونه پژوهش حاضر با در نظر گرفتن تعداد پارامترهای برآورد شده در مدل حداقل ۳۰۰ نفر از زنان متاهل بود، که با در نظر گرفتن ریزش های احتمالی ۳۲۰ زن متاهل به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای بود. بدین صورت که از میان سرای محلات در شهر تهران ابتدا مناطق ۴ و ۲ انتخاب و سپس از هر منطقه، دو سرای محله به تصادف انتخاب شد و در نهایت پرسشنامه ها در میان مراجعه کنندگان زن متاهل آن ها توزیع شد. لازم به ذکر است توضیحات لازم در مورد آگاهی از اهداف مطالعه، مشارکت داوطلبانه، رعایت حریم خصوصی، حفظ اسرار، عدم ثبت مشخصات شناسایی، حق انصراف از ادامه در همه مراحل جمع آوری داده ها در مطالعه ارائه و رضایت آن ها برای شرکت در مطالعه و تأیید کمیته اخلاق و درجه کد کمیته اخلاق، نیز اخذ شد.

#### ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه تعهد زناشویی: این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این آزمون ۴۴ سوالی توسط آدامز و جونز برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می کند؛ این ابعاد عبارتند از: تعهد به همسر (سوالات ۱۰-۱)، تعهد به ازدواج (سوالات ۲۲-۱۱) و احساس تعهد (سوالات ۴۴-۲۳). هر سوال آزمون دارای یک مقیاس ۵ درجه ای: کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است، که به هر گزینه نمره ای بین ۱ تا ۵ تعلق می گیرد. به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ و به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱ داده می شود. دامنه کلی نمرات افراد بین ۱ تا ۱۷۲ نمره است و نمره بالاتر در این آزمون، بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می دهد (۲۳). مولید، آدامز و جونز در ۶ پژوهش مختلف به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسشنامه، آن را روی ۴۱۷ نفر متاهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سوال با نمره کل آزمون بالا و معنادار بود و به طور کلی ابعاد این پرسشنامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز میزان پایایی هر یک از مقیاسهای این آزمون را بر روی نمونه مذکور به شرح زیر بدست آوردند: تعهد به همسر، ۰/۹۱؛ تعهد به ازدواج، ۰/۸۶؛ احساس تعهد، ۰/۸۹ (۲۳). در مطالعه ای مقدماتی

<sup>1</sup> - Broucke & Ommen

۲۵۰۰-	۴۸۰۰-	۶۴.۵	۵۹.۲۷	ثبات عاطفی
۷۲۰۰-	۴۸۰۰-	۰۶.۷	۷۸.۲۶	عدم بازگشت عاطفی
۵۹۰۰-	۰۹۰۰-	۴۱.۵	۳۹.۲۳	انسجام شخصیت
۷۲۰۰-	۲۴۰۰	۱۵.۵	۷۲.۱۹	سازگاری اجتماعی
۴۳۰۰-	۳۲۰۰	۸۲.۵	۳۰.۲۷	استقلال طرد در روابط بین فردی
۱۴۰۰-	۳۸۰۰-	۲۳.۴	۱۶.۱۷	انتظارات غیرواقع بینانه سوء ادراک
۴۷۰۰-	۱۴۰۰	۷۹.۴	۲۷.۱۹	در روابط بین فردی
۱۶۰۰	۳۶۰۰	۳۱.۱۳	۳۵.۱۲۲	صمیمیت تعهد به همسر
۰۹۰۰-	۰۸۰۰	۱۵.۷	۴۰.۲۹	تعهد به ازدواج
۲۹۰۰-	۸۲۰۰	۸۱.۶	۱۳.۳۰	احساس تعهد

روایی این پرسشنامه از طریق همبستگی با مقیاس باورهای غیر منطقی، مقیاس افکار خودکار و مقیاس گرایش به تعارض در روابط بین فردی به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۵۳ و ۰/۵۳ به دست آمده که همگی معنادار بوده اند. در ایران و در پژوهش این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. روایی سازه پرسشنامه وجود سه عامل طرد در روابط بین فردی، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط و سوء ادراک در روابط بین فردی را مورد تأیید قرارداد. همچنین روایی همزمان نشان داد بین این پرسشنامه و پرسشنامه مقیاس صفات شخصیت مرزی رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین این پرسشنامه و پرسشنامه سبک های دفاعی همبستگی معنی داری وجود داشت. پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرنباخ و دو نیمه سازی محاسبه گردید. آلفای کرنباخ برای زیر مقیاس انتظارات طرد در روابط بین فردی (۰/۷۹)، انتظارات غیرواقع بینانه در روابط (۰/۸۲) و سوء ادراک در روابط بین فردی (۰/۸۱) به دست آمد. پایایی از طریق دو نیمه سازی نیز به ترتیب فوق برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۶ و ۰/۷۰ به دست آمد. آلفای کرنباخ کل این پرسشنامه نیز برابر با ۰/۸۵ به دست آمد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار Spss-V23 و Amos-V7.80 انجام شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

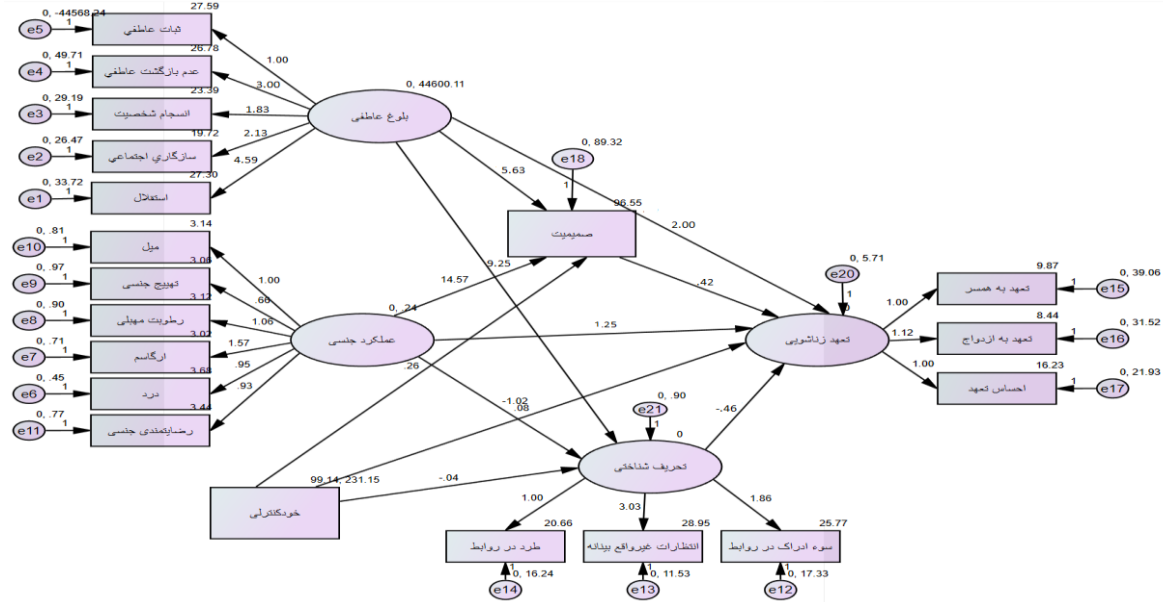
یافته ها

یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آورده شده است.

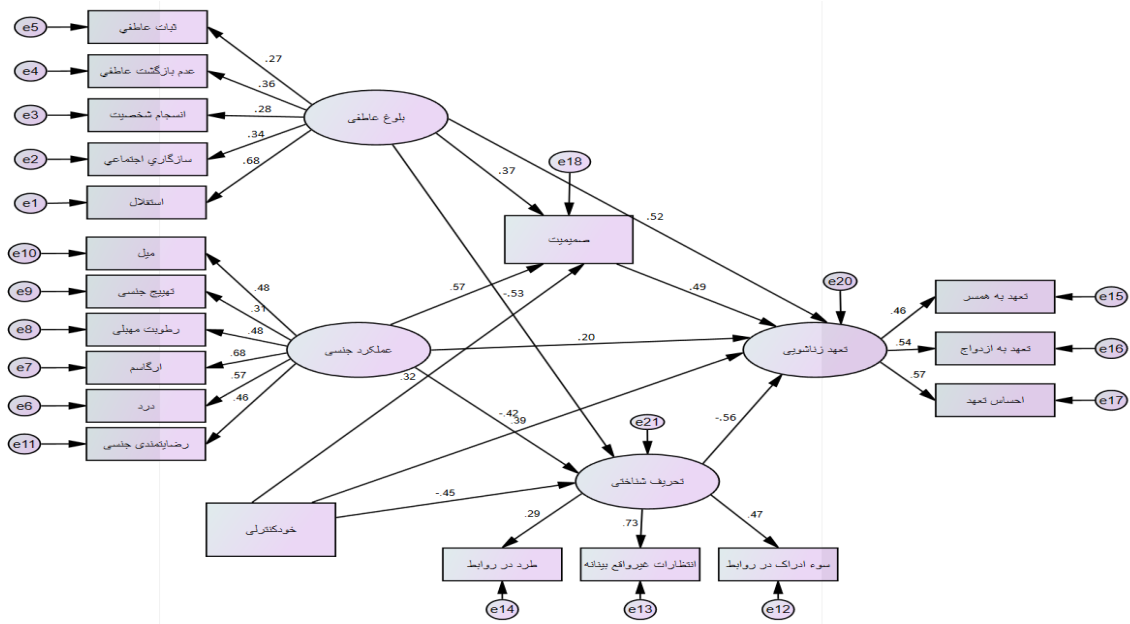
جدول ۱. یافته های توصیفی خرده مقیاس های پژوهش

شاخص آماری مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
------------------	---------	------------------	-----	--------

نتایج جدول ۱ نشان می دهد از بین ابعاد تحریف های شناختی بین فردی بیشترین میانگین مربوط به سوء ادراک در روابط بین فردی است. نتایج مربوط به اجرای مدل در حالت استاندارد شده و استاندارد نشده به همراه برخی از مهمترین شاخص های برازش تحلیل مسیر مدل اولیه در شکل و جدول زیر ارائه شده است.



شکل ۲. مدل در حالت ضرایب استاندارد نشده



شکل ۳. مدل در حالت ضرایب استاندارد شده

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش	نام شاخص
مقدار	حد مجاز
۱۲.۲	کمتر از ۳
۰.۶۰	کمتر از ۰/۱
۰.۹۶	بالاتر از ۰/۹
۰.۹۵	بالاتر از ۰/۹
۰.۹۶	بالاتر از ۰/۹
۰.۹۴	بالاتر از ۰/۹

شاخص	مقدار	تفسیر
$\chi^2$	۱۲.۲	ریشه میانگین خطای برآورد (RMSEA)
df	۳	
۱	۰.۶۰	CFI (برازندگی تعدیل یافته)
۲	۰.۹۶	NFI (برازندگی نرم شده)
۳	۰.۹۵	GFI (نیکویی برازش)
۴	۰.۹۶	AGFI (نیکویی برازش اصلاح شده)
۵	۰.۹۴	

- 1 Root Mean Square Error Approximation
- 2 Comparative Fit Index
- 3 Normed Fit Index
- 4 Goodness of Fit Index
- 5 Goodness of Fit Index

بدست آمده برای این شاخص‌ها نشان می‌دهد که در مجموع الگو در جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار است.

به طور کلی در کار با برنامه AMUS هر یک از شاخص‌های بدست آمده به تنهایی دلیل برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیستند و این شاخص‌ها را در کنار هم بایستی تفسیر نمود. مقادیرهای

جدول ۳. ضرایب و معناداری اثر غیرمستقیم بلوغ عاطفی بر تعهد زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	$\beta$ استاندارد شده	آماره معناداری	sig
تعهد زناشویی	بلوغ عاطفی	غیرمستقیم (صمیمیت)	۳۶.۲	۱۸.۰	۲۶.۳	۰.۰۱۰
تعهد زناشویی	بلوغ عاطفی	غیرمستقیم (تحریف‌های شناختی بین فردی)	۲۵.۴	۳۰.۰	۹۹.۵	۰.۰۱۰

حاصل ضرب دو ضریب غیر استاندارد که مسیرهای متغیر واسطه را تشکیل می‌دهند بر خطای استاندارد این حاصلضرب، نسبت بدست آمده با جدول توزیع بهنجار مقایسه می‌شود؛ اگر نسبت بدست آمده بزرگ تر از ۱/۹۶ باشد نتیجه گرفته می‌شود که اثر متغیر میانجی معنی دار است.

جهت بررسی اثر متغیر میانجی صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی در رابطه بین بلوغ عاطفی با تعهد زناشویی، از آزمون سوبل استفاده گردید. یک روش مورد استفاده برای سنجش معنی داری اثر متغیر واسطه آزمون سوبل (۱۹۸۲) است که مستقیماً معنی داری  $ab$  را نسبت به توزیع بهنجار  $Z$  با استفاده از خطای استاندارد متغیر میانجی می‌سنجد. بدین ترتیب که پس از تقسیم

جدول ۴. ضرایب و معناداری اثر مستقیم صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی بر تعهد زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	$\beta$ استاندارد شده	آماره معناداری	sig
تعهد زناشویی	صمیمیت	مستقیم	۴۲.۰	۴۹.۰	۸۷.۶	۰.۰۱۰
	تحریف‌های شناختی بین فردی	مستقیم	۴۶.۰	۵۶.۰	۷۳.۷	۰.۰۱۰

تاکید کرده‌اند، همسو است. فلوریان و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که زوجین با واکنشهای مثبت نسبت به زوجین با دو واکنش دیگر (شکایت کننده و سرزنشگر) و همچنین زوجین شکایت کننده نسبت به زوجین سرزنشگر صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کنند. کاردوسو و کاستا (۲۰۱۹)، هم در پژوهشی نشان دادند بین مهارت‌های اجتماعی و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. این یافته پژوهش را می‌توان با توجه به مزایایی که داشتن بلوغ عاطفی بالا در زندگی زناشویی افراد مخصوصاً تعهد زناشویی آن‌ها بوجود می‌آورد، تبیین کرد. مکانیسم‌های محافظ مختلفی برای تبیین چگونگی افزایش تعهد زناشویی افراد از طریق بلوغ عاطفی مطرح شده‌اند. غالب این مکانیسم‌ها در پنج مقوله جمع بندی شده‌اند که عبارتند از: افزایش رفتارهای سالم ارتباطی، افزایش آگاهی از احساسات خود و همسر، افزایش توانایی درک طرف مقابل، افزایش حمایت اجتماعی و بهبود ارتباطات جنسی. مطالعات مختلف به اثرات بلوغ عاطفی بر کیفیت روابط افراد اشاره کرده‌اند. مهارت‌های هیجانی و امنیت عاطفی در روابط صمیمی دوره بزرگسالی، از عوامل اساسی در سلامت روانی- اجتماعی و تحقق توانایی‌های ذاتی انسان است و هرچه این متغیرها از کیفیت بالاتری برخوردار باشند، زندگی زناشویی بهتر خواهد بود. مسلماً مهم‌ترین رابطه‌ای که در دوره بزرگسالی تجربه می‌شود و بر جنبه‌های مختلف شخصیت افراد تاثیر می‌گذارد، رابطه زناشویی است و امنیتی که فرد در این رابطه

آنچه از نتایج جدول ۴ برمی‌آید این است که عوامل صمیمیت، اثر مستقیم بر تعهد زناشویی داشته است، رابطه صمیمیت با تعهد زناشویی به صورت مستقیم برابر  $t = ۶/۸۷$  و  $\beta = ۰/۴۹$  است. بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم صمیمیت بر تعهد زناشویی زنان متاهل با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است. آنچه از نتایج جدول ۴ برمی‌آید این است که عوامل تحریف‌های شناختی بین فردی اثر مستقیم بر تعهد زناشویی داشته است، رابطه تحریف‌های شناختی بین فردی با تعهد زناشویی به صورت مستقیم برابر  $t = -۷/۷۳$  و  $\beta = -۰/۵۶$  است. بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم تحریف‌های شناختی بین فردی بر تعهد زناشویی زنان متاهل با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است.

#### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی با میانجی گری صمیمیت و تحریف‌های شناختی بین فردی انجام شد. نتایج نشان داد شاخص‌های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همچنین متغیر بلوغ عاطفی بر متغیر تعهد زناشویی اثر غیرمستقیم معنی داری دارد. این یافته پژوهش با یافته‌های جا و همکاران (۲۰۱۷)، گیورتر و همکاران (۲۰۱۶)، جاهری و همکاران (۲۰۱۹)، روبرسون و همکاران (۲۰۲۰) که آن‌ها نیز به تاثیرات بلوغ عاطفی بر تعهد زناشویی

می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد؛ به عبارت دیگر زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند. صمیمیت شامل مراقبت و محافظت از علائق فردی و همسر و در صورت لزوم قربانی ساختن منافع و مصلحت‌های خود است. صمیمیت تنها به رابطه جنسی محدود نمی‌شود بلکه به معنای احساس توجه و تعهد نیز هست که آزادانه و بدون استفاده از هیچ‌گونه وسایل خودحمایتی، بدون ترس از دست دادن هویت خود در رابطه مورد نظر ظاهر می‌شود. میل به صمیمیت نه فقط جنبه جسمی بلکه جنبه روانی نیز دارد. این میل مکرراً به عنوان اشتیاق خاص به خلوت و تنهایی در نظر زوج‌ها جلوه گر می‌شود. کیفیت ارضای جنسی و عاشقانه در افراد سالم با گذشت زمان تکامل می‌یابد و بیشتر به آشنایی و صمیمیت نزدیک می‌گردد.

همچنین نتایج بعدی پژوهش نیز نشان داد تحریف‌های شناختی بین فردی بر تعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد. همسو با این یافته‌ها جهرمی و معین (۲۷) نشان دادند همبستگی بین تحریف‌های شناختی با همه مولفه‌های دزدگی زناشویی مثبت می‌باشد. این یافته پژوهش را باید با توجه به اهمیت تحریف‌های شناختی در روابط بین فردی برای زندگی زناشویی و همچنین تأثیرات آن بر وضعیت روانشناختی زن و شوهر تبیین کرد. تحریف‌های شناختی در روابط بین فردی به انحاء مختلف بر وضعیت روانشناختی زوجین تأثیر می‌گذارد، به عنوان مثال می‌توان به ایجاد روابط صمیمی، حمایت عاطفی و مالی زوجین از یکدیگر، پر کردن اوقات فراغت، برقراری روابط اجتماعی با خانواده گسترده و فراهم کردن راه حل در زمان‌های مواجهه با مسائل، اشاره کرد. اگر روابط بین فردی که فرد تجربه می‌کند، به صورت سازنده باشد، موارد فوق‌الذکر به نحو احسن انجام می‌شود و همسر به منبعی بسیار قوی برای دریافت حمایت‌های گوناگون تبدیل می‌شود. در مقابل، زمانی که تحریف‌های شناختی بوجود می‌آید، وضعیت روانشناختی هریک از زوجین تحت تأثیر قرار می‌گیرد، زیرا این نقائص بر نحوه ارضای نیازهای عاطفی، اجتماعی و مادی زوجین تأثیر می‌گذارد. متعاقباً ارضای نامناسب نیازهای عاطفی، اجتماعی و مادی در هر یک از زوجین، زمینه بروز مشکلاتی را در تعهد زناشویی آن‌ها فراهم می‌کند. تجارب فشارزایی که افرادی که تحریف‌های شناختی در روابطشان دارند، با آن‌ها مواجه‌اند، از قبیل رابطه نا آرام زن-شوهر، عدم دریافت حمایت عاطفی، سلطه‌جویی طرفین، مشکلات مربوط به وظایف و کاهش ارتباطات اجتماعی زمینه ساز بروز مشکلاتی در کیفیت زندگی زناشویی این افراد می‌گردد و عدم توانایی حل کردن این مشکلات و مدیریت فشارهای وارده، عدم رضایت از زندگی زناشویی و متعاقباً افت تعهد زناشویی را به وجود می‌آورد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش مشاوران خانواده و ازدواج می‌توانند از طریق افزایش بلوغ عاطفی و صمیمیت بین همسران و درمان مشکلات مربوط به صمیمیت، بلوغ عاطفی و تحریف‌های شناختی، تعهد زناشویی را میان آنها بهبود بخشند. نمونه پژوهش

تجربه می‌کند، اهمیت بسزایی دارد. از آنجا که زمان قابل توجهی از زندگی روزمره بزرگسالان در محیط خانواده و در کنار همسران طی می‌شود، تأثیرات ناشی از امنیت عاطفی که فرد در رابطه با همسرش تجربه می‌کند، در شکل‌گیری حالت‌های روانشناختی از جمله تعهد زناشویی نقش مهمی دارد. پژوهشگران حوزه روابط زناشویی معتقدند که بلوغ عاطفی بالا با احساس تنهایی، رفتارهای خودشکن و آسیب‌زا مانند مصرف مواد و مشروبات الکلی، رفتارهای جنسی پرخطر و نقص در ارتباطات اجتماعی رابطه معکوس دارد. نکته جالب توجه این که موارد فوق از پیش‌بینی‌های معکوس تعهد زناشویی می‌باشند. بنابراین قابل پیش‌بینی است که با افزایش بلوغ عاطفی، تعهد زناشویی نیز افزایش یابد. موضوعی که در نتایج تحقیق حاضر نیز انعکاس یافت. لذا عاملی که ارتباط تنگاتنگی با بلوغ عاطفی دارد صمیمیت می‌باشد. صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. شاخص‌سازی رایج از صمیمیت در روابط زناشویی، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد؛ به عبارت دیگر زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه تعهد زناشویی بالاتری را تجربه کنند.

همچنین نتایج نشان داد صمیمیت بر تعهد زناشویی به طور مستقیم اثر می‌گذارد. همسو با این یافته زارع‌گاریزی و همکاران (۱۷) در پژوهشی نشان دادند که بین صمیمیت و تعهد زناشویی ضریب مسیر مثبت معنادار است. علی‌زاده (۱۶) در پژوهشی نشان داد که تمام نیازهای صمیمیت با تعهد زناشویی ارتباط مستقیم و معنادار دارند. و نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام حاکی از آن بود که نیاز به صمیمیت عاطفی و نیاز به صمیمیت زیباشناختی، قدرت پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. در تبیین این یافته پژوهش، می‌توان گفت صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. این‌گونه تعاریف مبتنی بر خویشتن، حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می‌توان به عنوان توانایی شناخت خود در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت بسیار ضروری است. مفهوم بردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی

meaning of marital relationship quality among couples in peri-urban Ethiopia. *Culture, Health & Sexuality*, 19 (2), 267-278.

6. Givertz, M., Segrin, C., & Woszidlo, A. (2016). Direct and indirect effects of commitment on interdependence and satisfaction in married couples. *Journal of Family Psychology*, 30 (2), 214.

7. Dean, D. G., & Spanier, G. B. (1974). Commitment — an overlooked variable in marital adjustment ?. *Sociological Focus*, 7 (2), 113-118.

8. Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2011). On the home front: Stress for recently deployed Army couples. *Family process*, 50 (2), 235-247.

9. Tang, C. Y., & Curran, M. A. (2013). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues*, 34 (12), 1598-1622.

10. Juhari, R., Yaacob, S. N., Arif, N. A. M., & Sabri, M. F. (2019). Marital Commitment as a Function of Marital Satisfaction, Marital Investment and Marital Alternatives among Working Women in Malaysia. *Towards a Safer World: Addressing the Dynamics of Human Ecological Challenges*, 61

11. Sweeney, B. N. (2014). Masculine status, sexual performance, and the sexual stigmatization of women. *Symbolic Interaction*, 37 (3), 369-390.

12. Singh, S., Lundy, M., Vidal de Haymes, M., & Caridad, A. N. A. (2011). Mexican immigrant families: Relating trauma and family cohesion. *Journal of Poverty*, 15 (4), 427-443.

13. Roberson, P. N. E., Lenger, K. A., Gray, T., Cordova, J., & Gordon, K. C. (2020). Are marital relationships a barrier to health care utilization in Southern Appalachia?: A dyadic examination of the link between marital quality and individual

حاضر به جمعیت زنان متأهل مراجعه کننده به سرای محلات شهر تهران اختصاص داشت؛ بنابراین پیشنهاد می شود که پژوهش مشابهی در گروه های زوجی صورت گیرد و از ابزارهای اندازه گیری دیگر مانند مصاحبه استفاده گردد تا بر اعتبار نتایج افزوده شود. بنابراین با توجه به اهمیت تعهد زناشویی و همچنین تاثیرات مهارت های زناشویی و بلوغ عاطفی بر تعهد زناشویی، نیاز است که آموزش بیشتری در زمینه شیوه های برقراری ارتباط موثر با همسر و ایفای نقش در رابطه زناشویی برای افراد متأهل در نظر گرفته شود و همچنین برنامه ریزی هایی برای ایجاد آموزش ها و مداخلاتی در راستای افزایش حمایت عاطفی زوجین از یکدیگر صورت گیرد. همچنین ضروری است که مسئولان زیربند اقدامات جدی تری در راستای آموزش مهارت های ارتباطی مربوط به زندگی زناشویی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشند تا از بروز صدمات روانشناختی آتی جلوگیری شود.

## References

1. Kelley, H. H., Marks, L. D., & Dollahite, D. C. (2020). Uniting and dividing influences of religion in marriage among highly religious couples. *Psychology of Religion and Spirituality*, 12 (2), 167-177.

2. Mr. Mohammad Kashi, Delaram. (1398). The relationship between early maladaptive schemas and marital commitment to marital satisfaction. *Recent Advances in Behavioral Sciences*, 4 (40), 18-2.

3. Dinescu, D., Turkheimer, E., Beam, C. R., Horn, E. E., Duncan, G., & Emery, R. E. (2016). Is marriage a buzzkill? A twin study of marital status and alcohol consumption. *Journal of Family Psychology*, 30 (6), 698-707.

4. Brault-Labbé, A., Brassard, A., & Gasparetto, CA (2017). A new conjugal engagement model model: Validation of the conjugal engagement multimodal Questionnaire [A new model of marital engagement: Validation of the Multimodal Couple Commitment Questionnaire]. *Canadian Journal of Behavioral Science / Canadian Journal of Behavioral Sciences*, 49 (4), 231-242.

5. John, NA, Seme, A., Roro, MA, & Tsui, AO (2017). Understanding the

- commitment. *Journal of Research in Mental Health*, 8 (2), 60-51.
21. Pourghlam Ali, Zinat. (1394). Presenting a causal model of communication beliefs and sexual satisfaction with the mediating role of marital conflicts. Master Thesis, Shahid Bahonar University of Kerman.
  22. Tabachnick, B. G., Fidell, L. S., & Ullman, J. B. (2007). *Using multivariate statistics* (Vol. 5, pp. 481-498). Boston, MA: Pearson.
  23. Abbasi, Hussein (1388). Investigating the effect of group reality therapy training on marital commitment of couples in Khomeini Shahr. Master Thesis in Family Counseling, University of Isfahan.
  24. Hafezabadi, Fahimeh and Bafti, Fatemeh. (1386). Difference between emotional maturity of single and married female students aged 18-30. Master Thesis, Sistan and Baluchestan University.
  25. Faith, dream and love, Naeema. (1388). The relationship between mothers' emotional maturity and their children's behavioral disorders. *Journal of Women and Family Studies*, 6 (2), 49-29.
  26. Erfani Akbari, Masoumeh. (1378). Investigating the problems related to intimacy and the effect of behavioral-communication therapy on it. Thesis Master of Counseling, Tehran, Al-Zahra University.
  27. Hanaei Jahromi, Maryam and Moin, Laden. (1396). Correlation of cognitive distortions and marital expectations with marital boredom in married female nurses. National Conference on New Approaches to the Humanities in the 21st Century, Rasht.
  - health care usage. *Families, Systems, & Health*, 38 (3), 265-277.
  14. Rodrigue, C., Blais, M., Lavoie, F., Adam, B. D., Goyer, M. F., & Magontier, C. (2018). Passion, intimacy, and commitment in casual sexual relationships in a Canadian sample of emerging adults. *The Journal of Sex Research*, 55 (9), 1192-1205.
  15. Pines, A. M., Neal, M. B., Hammer, L. B., & Icekson, T. (2011). Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. *Social Psychology Quarterly*, 74 (4), 361-386.
  16. Alizadeh, Narges. (1396). Predicting marital commitment based on satisfying the needs of marital intimacy. Master Thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch.
  17. Zare Garizi, Masoumeh; Ebrahimi Moghadam, Hussein and Abul Ma'ali Al-Husseini, Khadijeh. (1399). Predicting marital commitment based on basic psychological needs and intimacy through self-differentiation. *Journal of Applied Psychology*, 14 (1), 76-55.
  18. Miller, A. B., & Esposito-Smythers, C. (2013). How do cognitive distortions and substance-related problems affect the relationship between child maltreatment and adolescent suicidal ideation? *Psychology of Violence*, 3 (4), 340-353.
  19. Ciccarelli, M., Griffiths, M.D., Nigrp, G., & Cosenza. (2017). Decision making, cognitive distortions and emotional distress: A comparison between pathological gamblers and healthy controls. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 54, 204-210.
  20. Shakermi, Mohammad; Zaharakar, Kianoosh and Mohsenzadeh, Farshad. (1393). Investigating the mediating role of conflict resolution styles in the relationship between interpersonal cognitive distortions and sexual satisfaction with marital